بسمه تعالی

موسسه آموزش عالی میعاد

جرم شناسی

استاد: دکتر فردین محمدی

پاییز ۱۴۰۲

مطالب کلاسی جرم شناسی:

تعریفات متعدد و مفهوم جرم شناسی:

*جرم یک پدیده است که در زندگی اجتماعی وجود دارد ؛ جرم یک معلول است علت هایی دارد اگر علت از بین برود معلول هم از بین میرود.

تعریف اول از جرم شناسی: جرم شناسی به زبان ساده یعنی بررسی پدیده مجرمانه یعنی جرم را از منظر علمی بررسی میکنیم.

تعریف دوم از جرم شناسی: جرم شناسی عبارت است از مطالعه علمی جرم و مجرم برای شناخت علل پیشگیری و درمان اعمال مجرمانه.

تعریف سوم از جرم شناسی: جرم شناسی علمی است که بزهکاری را به عنوان یک پدیده اجتماعی بررسی میکند و به روش علمی البته.

تعریف کامل و جامع جرم شناسی:

جرم شناسی علمی است که عوامل و فرایند های بزهکاری و بزه دیدگی و بزهکاران و حالت خطرناک آنان را به روش علمی بررسی و مطالعه میکند تا بهترین و موثرترین روش ها را برای پیشگیری از بزهکاری و اصلاح و درمان بزهکاران و بزه دیدگان ارائه دهد.

موضوع علم جرم شناسی:

موضوع جرم شناسی پدیده مجرمانه یعنی بزهکاری و بزه دیدگی و علل ایجاد آنها و همچنین اصلاح و درمان آنها می باشد.

جرم در علم جرم شناسی هم به معنای عملی است که در قانون دارای مجازات است و هم شامل انحراف هم میشود یعنی اعمالی که مغایر با هنجار ها و ارزش های مورد قبول اکثریت جامعه می باشد مثل خودکشی یا خودزنی در قانون جرم نیست این اعمال اما جرم شناسی به این حالات هم توجه میکند.

پس جرم شناسی هم جرم و هم انحرافات را مورد بحث قرار میدهد.

هدف جرم شناسی:

۱)مهم ترین هدف جرم شناسی پیشگیری از جرم است یعنی در واقع جلوگیری کردن وقوع جرم در آینده چرا که پیشگیری بهتر از درمان است بنابراین در جرم شناسی،جرم همانند یک بیماری است و ما میخواهیم از این بیماری جلوگیری کنیم.

۲)شناخت انگیزه مجرمان و شخصیت آنان

۳) تحول قوانین ؛ علم جرم شناسی باعث شده در قوانین جزائی تغییرات ایجاد بشود. مثلا مجازات های سنگین و غیر انسانی و شکنجه لغو بشود یا آزادی مشروط اعمال شود.

تاریخچه جرم شناسی:

جرم را در سه دوره تاریخ مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱)دوره اول : جوامع قدیمی و ابتدایی به جرم یک امر ماورای نگاه میکرد مثلا جرم نتیجه ارواح خبیث یا جن است یعنی جرم و جنایت را عمل شیطان تلقی میکردند و مجرم را مجازات میکردند تا مجرم از ارواح خبیث و شطان پاک سازی شود . این دوره غیر علمی بود.

۲)دوره دوم: دوره عقلانیت یا رنسانس که در این دوره فیلسوفان و اندیشمندان پیدا شد که مهم ترین آنها آقایان چزاره بکاریا و جرمی بنتام بود که اولین بار جرمی بنتام گفت که انسان ها لذت گرا هستند در نتیجه قوانین باید تصویب بشود برای مجرمان تا مجازات شوند و عبرت بگیرند و چزاره بکاریا گفت جرم ها باید دقیق مشخص بشوند مجازات ها نباید سنگین باشند اما باید حتمی باشند .

۳) دوره سوم: دوره تجربی و علمی که از قرن ۱۹ یعنی از سال ۱۸۰۰شروع میشود که از همین سال علم تجربی و علم پزشکی و روانپزشکی پیشرفت کرد و اولین بار جرم یک آسیب روانی و پزشکی مطرح شد ،برای اولین بار پزشک ایتالیایی جرم را از لحاظ پزشکی مورد بررسی قرار داد که مجرمان را کالبد شکافی کرد تا نتیجه بگیرد مجرمان چه مشکلاتی دارند که همین پزشک ایتالیایی که آقای چزاره لومبروزو روی جسد و جمجمه مجرمان کار کرد و در سال ۱۸۷۹ یک کتابی نوشت بنام انسان بزهکار، که اقای چزاره لومبروزو پدر علم جرمشناسی است.علم جرمشناسی از سال ۱۸۷۹میلادی متولد شده است.

روش تحقیق در علم جرم شناسی:

روش تحقیق یعنی راه رسیدن به حقیقت که به دو دسته تقسیم میشود یا کمی یا کیفی است

روش کمی جرم شناسی: روشی است که آمار جنایی و نرخ بزهکاری را با تعیین تعداد جرائم و مجرمان در جامعه مشخص میکند و روشی است که با آمار و ریاضیات محاسبه می گردد و این آمار از دادگستری ها و اداره پلیس و زندان ها بدست می آید.

آمار جنایی خود بر دو دسته تقسیم میشود:

۱)تبه کاری ظاهری

۲)تبه کاری قانونی یا قضایی

۱)تبه کاری ظاهری: مجموعه شکایات و اعلام جرم ها است که گزارش شده اما منجر به حکم محکومیت نشده یا جرم اثبات نشده است.

۲)تبه کاری قانونی یا قضایی: مجموعه جرائمی است که منجر به صدور حکم قطعی محکومیت شده است.

ایرادات آمار های جنایی :

ا) جرائم نامکشوف (رقم سیاه بزهکاری) : جرائمی است که رخ داده و وجود دارد اما کشف نشده و به دادگستری گزارش نشده و قربانی جرم شکایتی هم نکرده است مانند کودک آزاری که کودک نمیتواند شکایت کند.

۲)رقم خاکستری بزهکاری: جرائمی است که کشف شده اما مرتکب شناسایی و دستگیر نشده مثلا مجرمان حرفه ای که پلیس نتوانسته دستگیر کند.

۳)فرار مرتکب جرم، خودکشی مجرم ،فوت مجرم ،اشتباهات آماری و عدم همکاری سازمان ها در ارائه آمار.

روش کیفی جرم شناسی: روشی است که مبتنی بر مشاهده و مصاحبه و آزمایش های بالینی از مجرمان یا بررسی شرایط یک شهر یا منطقه می باشد. در اینجا با عدد و رقم کاری نداریم مصاحبه و مشاهده است کارمان.

نتایج تحقیق: روش تحقیق در جرم شناسی مطلق و قطعی نیست چون در انسان اتفاق می افتد و انسان و جامعه و بزهکاری دائما در حال تغییر هستند و جرم شناسی از شاخه علوم انسانی است و مثل مباحث علوم تجربی ثابت نیست مثلا همیشه آب در ۱۰۰درجه به جوش می آید امر ثابتی نیست.

تفاوت علم جرم شناسی با علم حقوق جزا:

۱)در موضوع: موضوع جرم شناسی پدیده مجرمانه و راه های پیشگیری از آن است اما موضوع حقوق جزا بررسی قانونی جرم،مجرم و مجازات است.

۲)روش تحقیق: جرم شناسی علمی و تجربی است اما حقوق جزا در چارچوب قواعد حقوقی و قوانین تحقیق میکند .بنابراین در واقع حقوقدان محدود به قوانین است در چارچوب قوانین جرم و مجازات را بررسی میکند اما جرم شناس خارج از قوانین از زوایای دیگر جرم را بررسی میکند.

۳)هدف:هدف جرم شناسی پیشگیری از بزهکاری است اما هدف حقوق جزا اصولا مجازات مجرمان است.

۴)حقوق جزا پیشینه طولانی تری از جرم شناسی دارد از لحاظ پیشینه حقوق جزا قدیمی است جرم شناسی از سال ۱۸۷۹میلادی متولد شده است و جرم شناس از زوایا دیگر به جرم نگاه میکند پس افق دید جرم شناسی وسیع تر از حقوق جزا و حقوقدان است

۵)جرم شناسی به قبل از جرم هم فکر میکند یعنی جنبه پیشگیری از وقوع جرم را دارد اما حقوق جزا صرفا بعد از اتفاق افتادن جرم وارد عمل میشود . پس حقوقدان و قاضی به بعد از وقوع جرم توجه میکند و قاضی منتظر است جرم اتفاق بی افتد و مجازات کند شخص بزهکار را اما جرم شناس به قبل اتفاق افتادن جرم فکر میکند و پیشگیری میکند از وقوع جرم.

۶)جرم شناسی هم جرم و هم انحرافات را مورد بررسی قرار میدهد در حالی که حقوقدان محدود به قانون میباشد.

رابطه جرم شناسی با حقوق جزا:

جرم شناسی می تواند پیشنهاد های لازم برای اصلاح قوانین جزایی و نظام حقوق کیفری را ارائه دهد که حقوق جزا در پرتو یافته های جرم شناسی همواره در حال تحول و تکامل می باشد مانند تخفیف مجازات، آزادی مشروط ، یا وضع قوانین خاص برای اطفال و ....

حقوق جزا بدون جرم شناسی جسم بدون روح است این دو علم مکمل همدیگر هستند.

رابطه جرم شناسی با جرم یابی:

جرم یابی چیست؟ مجموعه علومی است که در کشف جرم و شناسایی جرم به کار می رود مثل پزشکی قانونی یا پلیس علمی

هدف جرم یابی کشف جرم است اما هدف جرم شناسی پیشگیری از جرم می باشد از طرف دیگر جرم یابی و جرم شناسی از یافته های همدیگر استفاده میکنند مثلا ماموران کشف جرم بر انگیزه های مجرمان و رابطه مجرم با بزه دیده توجه میکنند

رابطه جرم شناسی با کیفر شناسی:

کیفرشناسی چیست؟ کیفرشناسی علمی است که انواع کیفر ها و نحوه اجرای آن ها را مورد مطالعه قرار میدهد و از مطالعات جرم شناسی هم استفاده میکند برای مثال سازمان زندانها به منزله درمانگاه جرم شناسی است.

پس جرم شناس میتواند برود زندان و مجازات های زندان را بررسی کند تا راهکار های بهتری را ارائه بدهد برای ارائه مجازات ها

تفاوت کیفرشناسی با جرمشناسی این است که کیفر محدود به مجازات ها است اما جرم شناسی وسیع است به جرم ،مجرم و مجازات

رابطه جرم شناسی با آیین دادرسی کیفری:

دادرسی کیفری پلی است میان جرم و مجازات که ما در این پل با انسان بزهکار مواجه میشویم که انسان از نظر قانون متهم است اما از نظر جرم شناسی بیمار است .قاضی کیفری باید شخصیت متهم را ارزیابی و بدست آورده باشد و قاضی کیفری باید به علم جرم شناسی و نظریه های جرم شناسی مسلط باشد تا بتواند بهترین و موثر ترین مجازات را برای هر مجرم صادر کند؛ همچنین برای برخی مجرمان پرونده شخصیت نیز در طول دادرسی کیفری تشکیل میشود تا ابعاد شخصیتی و روانی مجرم بهتر شناخته شود.

تقسیمات علم جرم شناسی:

بر اساس موضوعات مورد مطالعه و نوع جهان بینی تقسیم میشود

۱)جرمشناسی نظری: در این جرمشناسی مکاتب و نظریه های علمی جرمشناسی در ابعاد زیست شناختی و روان شناختی و اجتماعی مطالعه میشود

۲)جرمشناسی کاربردی: جرمشناسی کاربردی یافته های جرم شناسی نظری را در عمل اجرا می کند و بر اصلاح و درمان بزهکاران و پیشگیری از جرم تاکید میکند.

شاخه های جرمشناسی کاربردی:

۲الف) جرمشناسی پیشگیری

۲ب)جرمشناسی بالینی

۲ج) جرمشناسی حقوقی

جرمشناسی پیشگیری: شاخه ای از جرمشناسی کاربردی است که موثر ترین روش ها را برای پیشگیریی از بزهکاری ارائه میدهد منتها از راه غیر مجازات نه از راه مجازات این پیشگیری جنبه غیر کیفری دارد.

مطالب کلاسی جرم شناسی

جرمشناسی بالینی: شاخه ای از جرمشناسی کاربردی است که مجرمان خطرناک را به منظور اصلاح و درمان آنها بررسی میکند و در کنار پرونده کیفری،پرونده شخصیت برای آنها تشکیل میدهد با استفاده از روش های طبی ، روانی و روانپزشکی است که بیشتر مجرم بعنوان بیمار است که هدف اصلاح و درمان است.

جرم شناس مانند یک پزشک میخواهد مجرم اه لاح و درمان شود.

جرمشناسی حقوقی: به بررسی انتقادی نهاد های حقوق کیفری میپردازد تا بهترین راه ها را برای پیشرفت و تحول نهاد های کیفری یعنی پلیس، دادگستری و زندان ها ارائه دهد.

تقسیمات جرم شناسی در حوزه کلام: به دو دسته تقسیم میشود

۱)جرمشناسی سنتی یا کلاسیک

۲)جرمشناسی واکنش اجتماعی

۱)جرم شناسی سنتی یا کلاسیک: این جرم شناسی جرم را نوعی اختلال زیستی یا روانی تلقی میکند و مجرم را فردی بیمار و تکامل نیافته محسوب میکند که باید اصلاح شود و راهکاری را برای اصلاح مجرم ارائه میدهد.

۲)جرم شناسی واکنش اجتماعی : این جرم شناسی میگوید مجرم فردی بیمار یا منحرف نیست بلکه کارکرد ها و عملکرد های نظام عدالت کیفری باعث وقوع جرم میشود

که جرم شناسی واکنش اجتماعی خود ۴زیر شاخه دارد عبارت است از:

۴الف)جرم شناسی تعامل گرا یا نظریه برچسب زنی. ج۲)جرم شناسی انتقادی

آب)جرم شناسی سازمانی . د۲)جرم شناسی بزه دیده شناختی.

جرم شناسی تعامل گرا یا نظریه برچسب زنی: در این جرم شناسی نظام عدالت کیفری یعنی قانون گذار ،پلیس و دادگاه به فرد برچسب مجرمیت می زند و موجب انحراف ثانویه و تکرار جرم میشوند.

جرم شناسی سازمانی: این جرم شناسی عملکرد و کارایی نظام عدالت کیفری در خصوص وقوع جرم را بررسی میکند.

جرم شناسی انتقادی: این جرم شناسی معتقد است ریشه جرم در ساختار ناعادلانه جامعه است و مجرم خودش قربانی قوانین و سیاست های غلط می باشد .

جرم شناسی بزه دیده شناختی : این جرم شناسی نقش مهم بزه دیده در وقوع جرم و رابطه اش با بزه کار را بررسی میکند بعضی موارد بزه دیده خودش مقصر است در ارتکاب جرم علیه خودش مثلا رفتار تحریک آمیز بزه دیده و هدف دیگر هم حمایت از بزه دیدگان می باشد مخصوصا در بزهکاران آسیب پذیر مثل کودکان و زنان است.

مفاهیم کلی جرم شناسی:

۱)علت ۲) انگیزه

۱)علت جرم شناسی: برای اینکه علت جرم محقق شود باید مقتضی موجود شرایط فراهم و موانع مفقود باشد: منظور از مقتضی عوامل آماده کننده بزهکاری می باشد که می تواند زیستی یا روانی و اجتماعی باشد و منظور از شرایط مجموعه اوضاع و احوال ما قبل بزهکاری است که موجب به قطعیت درآمدن جرم میشود و منظور از موانع اوضاع و احوالی است که نقش بازدارنده و پیشگیرانه در جرم دارند.

۲)انگیزه جرم شناسی: انگیزه به معنی هدف و منظور نهایی مورد نظر مجرم می باشد که می تواند از هر مجرمی به مجرم دیگر متفاوت باشد و همچنین انگیزه یک امر درونی است که میتواند شرافتمندانه و یا پلید باشد مثل کینه -نفرت-مال اندوزی. ((انگیزه شرافتمندانه در جرم موجب تخفیف مجازات میشود))

بزهکاری یا جرم: بزهکاری دو مفهوم دارد مفهوم اول حقوقی و مفهوم دوم جرم شناختی : که مفهوم حقوقی طبق ماده۲ق. م.ا عمل ممنوع دارای مجازات است اما در مفهوم جرم شناختی شامل انحراف هم میشود یعنی هر عمل مغایر با ارزش ها و هنجار های مورد قبول اکثریت جامعه .مانند خودکشی و خود زنی که جرم محسوب نمیشوند و مجازات هم ندارند اما در قانون انحراف است این انحرافات می تواند زمینه ساز بزهکاری در آینده بشوند.

انواع بزهکاری از لحاظ جرم شناختی:

۱)بزهکاری اتفاقی : زمانی است که تحت تاثیر شرایط و اوضاع احوال خاص و یا عواطف و احساسات زود گذر رخ میدهد مثل شرایط خاص بحرانی اعم از جنگ و فقر

۲)بزهکاری به عادت: زمانی است که ارتکاب جرم به صورت عرف و عادت درآمده و به حالت پایدار در رفتار فرد تبدیل شده است ، ارتکاب جرم به سبک زندگی مجرم تبدیل شده و از این عمل هم لذت می برد مثل ولگردی یا گدایی

۳-بزهکاری حرفه ای: زمانی است که ارتکاب جرم به صورت حرفه و شغل درآید و از این راه امرار معاش کند در این جا بزهکاری شغل فرد است مثل قاچاق کالا ،خرید و فروش مواد مخدر ،قمار و شرط بندی.

۴-بزهکاری سازمان یافته: زمانی است که جرم توسط گروه مجرمانه تشکیل شده از سه نفر و بیشتر با هدف کسب سود مالی و مادی انجام میشود مانند قاچاق انسان-قاچاق مواد مخدر- خرید و فروش اشیا عطیقه و یا گروه های مافیایی که در کشور های ژاپن و ایتالیا بیشتر است.

قانون گذار کشور به بزهکاری های گروهی و تیمی در ماده۱۳۰ق.م.ا اشاره کرده است.

۵-بزهکاری یقه سفید: بزهکاری یقه سفید جرایمی است که توسط اشخاص مغتنم و برخوردار از موقعیت برتر اجتماعی و اقتصادی انجام میدهند و معمولا جرایمی مانند اختلاس و پولشویی انجام میدهند این نوع بزهکاری اولین بار توسط جرم شناسی آمریکایی بنام آقای ساترلند ارائه شد. در مقابل بزهکاری یقه سفید ،بزهکاری یقه آبی وجود دارد که بزهکاری اقشار کم درآمد و الخصوص برای کارگران است.

۶-بزهکاری فسفری: بزهکاری است که با استفاده از فریب و خلاقیت های ذهنی و فکری انجام میشوند مانند کلاهبرداری یا جعل. دلیل اینکه بزهکاری فسفری نامیده میشود این است که اشاره به فسفر مغز که نشان هوش است دارد.

۷-بزهکاری کلسیمی: این بزهکاری خاص جرایم خشونت آمیز و با استفاده از زور و نیروی جسمانی انجام میشود مثل قتل و ضرب جرح. کلسیم زور بازو را افزایش میدهد به همین خاطر کلسیمی نامیده میشود.

عوامل بزهکاری: به طور کلی ۲دسته تقسیم میشوند

۱) عوامل شخصی ۲) عوامل محیطی

نکته: عوامل شخصی : عواملی فردی است از جمله عوامل زیستی و روانی اما عوامل محیطی :عوامل بیرونی است مثل نظام اجتماعی و سیاسی

عوامل شخصی بزهکاری:

۱)عامل وراثت: طبق نظریه آقای لومبروزو جرم نتیجه اختلالات زیستی و کروموزمی است که به ارث میرسد و به همین دلیل برخی افراد مجرم مادرزادی هستند

۲)عامل نژاد: از نظر علمی رابطه معنی داری میان نژادو بزهکاری وجود ندارد اما نرخ بزهکاری سیاه پوستان و غیر بومی ها در برخی کشور ها زیاد است که علت آن بدبینی نظام عدالت کیفری به آنها و همچنین بیکاری و فقر آنها است.که در جنگ جهانی هم نژاد پرستی عامل ارتکاب جرم بود.

۳)عامل جنسیت: آمار جرایم مردان بیشتر از زنان است که علت آن ارفاق و چشم پوشی نظام عدالت کیفری نسبت به زنان و همچنین ارتباط و تعامل کمتر زنان با جامعه است همچنین نوع جرایم ارتکابی زنان بیشتر فسفری است تا کلسیمی و از طرف دیگر زنان جرایمی مانند سقط جنین، بچه کشی و شوهر آزاری را مرتکب میشوند.

۴)عامل سن: انسان ها در دوران کودکی از ارتکاب جرم ناتوان بوده و در معرض بزه دیدگی هستند اما در دوره نوجوانی آمار جرم به حداکثر می رسد یعنی از ۱۵سالگی تا ۲۰سالگی بیشتر جرایم در این دوره اتفاق می افتد ولی در دوره میانسالی و سالمندی نرخ جرایم کاهش پیدا میکند و ممکن است جرایم فسفری در دوره میان سالی انجام شود.

عوامل محیطی بزهکاری: ۱)عوامل درونی ۲)عوامل بیرونی

۱)عوامل درونی : به ۳دسته تقسیم میشوند: ۱-اختلالات روانی ۲-الکل لیسم ۳-اعتیاد مواد مخدر

الف)اختلالات روانی: خود بر ۴دسته تقسیم میشود:

الف۱)بیماری های روان نژندی یا نا به هنجاری های عصبی: این بیماری ها در اثر تضاد های درونی بین نهاد و خود وفراخود به وجود می آید و موجب اضطراب یا افسردگی یا وسواس میشود که می تواند منجر به رفتار خشونت آمیز شود در این حالت بیمار قوه آگاهی و شعور دارد اما قادر به کنترل نیست بنابراین جنون محسوب نمیشود.

الف۲)بیماری های روان پریشی: این بیماری ها بر اثر فشار های شدید درونی یا بیرونی یا اختلالات ژنتیکی ایجاد میشود و موجب از بین رفتن قوه تشخیص و عقل فرد میشود مانندا‌سکیزوفرنی (بیماری مزمن روانی) از لحاظ حقوقی این دسته بیماری جنون محسوب میشود و اگر اثبات شود شخص مرتکب ،معاف از مسئولیت کیفری است.

الف۳) اختلال شخصیت اجتماعی : این افراد میل به بی توجهی به حقوق دیگران، پرخاشگری،تخریب و سرقت دارند و از کار های خود پشیمان نمی شوند و یک نوع اختلال روانی است مانند همسرآزاری -کلاهبرداری-کودک آزاری- ضرب و جرح این افراد مسئول اعمال خود هستند و رافع مسئولیت کیفری نیست.

و امروزه ثابت شده است که از ۴نفر ایرانی ۱نفر دچار اختلالات روانی است.

الف۴)عقب ماندگی ذهنی : به ۴دسته تقسیم میشود:

*بهره هوشی ۰تا ۲۵ توانایی تکلم و اراده ندارند و لذا مجنون محسوب میشوند و سن عقلی شون تا ۴سال هست.

*بهره هوشی ۲۵تا ۵۰ یکم از بهره هوشی ۰تا ۲۵ بهتر هست و سن عقلی شون مثل کودک ۱۰ساله هست و ممکن است اعصبانی شوند و پرخاشگری کنند.

*بهره هوشی ۵۰تا ۷۰ توانایی اراده و ارتباط دارند اما در حرفه و تحصیل و زندگی عقب می مانند.

*بهره هوشی ۷۰ به بالا نرمال هستند

نکته: ۵۰تا۷۰مسئول اعمال خود هستند اما ۰تا ۵۰ مسئول اعمال خود نیستند و مجنون هستند.

ب) الکل لیسم (مصرف الکل): موجب کاهش دقت و از بین رفتن تمرکز حواس ،سلب اراده و اختیار میشود و ممکن است موجب جرایمی مانند قتل یا جراحت یا جرایم جنسی شوند از لحاظ حقوقی مستی رافع مسئولیت کیفری نیست و مسئول اعمال خود هست.

ج) اعتیاد به مواد مخدر : وابستگی شدید و پایدار به یک ماده خاص . مواد مخدر به چند دسته تقسیم میشود :

ج۱) مواد محرک: مواد محرک باعث پرخاشگری و حساسیت فوق العاده و رفتار های خشنی میشوند این مواد سیستم عصبی را تحریک میکند مثل کوکائین.

ج۲)مواد توهم زا: مانند حشیش و ماری جوانا موجب ضعف عصبی و هزیان و توهم میشوند.

ج۳) مواد آرام بخش: مانند مورفین -هروئین و تریاک موجب بی حسی میشوند اما مرتکب جرایم خشن نمیشوند.

اعتیاد به مواد مخدر رافع مسئولیت کیفری نیست.

۲)عوامل بیرونی:به ۷دسته تقسیم میشود :

۲الف)محیط طبیعی یا جغرافیایی : مثل آب و هوا ،گرما و سرما یا خاک یا محصولات کشاورزی می توانند در جرایم تاثیر گذار باشند.

۲ب)محیط سیاسی یا نظام سیاسی : اگر نظام سیاسی مبتنی بر انتخابات آزاد و آگاه باشد و حقوق شهروندان را رعایت کند آمار جرم کاهش می یابد و اگر نظام سیاسی مبتنی دیکتاتوری باشد میتواند باعث افزایش جرم بشود.

۲ج)محیط اقتصادی : اگر در جامعه به لحاظ اقتصادی، بی عدالتی و نابرابری و فاصله طبقاتی حاکم باشد افزایش جرم امری طبیعی خواهد بود ، طبقات پایین ممکن است مرتکب سرقت و طبقات بالا ممکن است مرتکب پولشویی و کلاهبرداری بشوند.

۲د) محیط دادگستری: اگر دادگستری احکام ناعادلانه و غیرقانونی صادر کنند میتواند تولید جرم شود.

۲ر)محیط فرهنگی: یعنی آموزش و پرورش ،مطبوعات ، اینترنت و شبکه های اجتماعی که می توانند انگیزه یا فنون جرم را یاد دهند .

۲س)محیط خانواده :اگر خانواده نا به سامان و آشفته و نا به هنجار باشد میتواند موجب وقوع جرم شود مانند اعتیاد پدر و مادر،طلاق ،بی توجهی افراطی به فرزندان یا خشونت یا بدرفتاری همه این موارد عامل موثر جرم هستند.

۲ش) محیط دوستان: برای نوجوانان و اطفال می‌تواند وقوع جرم بدست اطفال و نوجوانان پدیدآورد .مثل رفت و آمد با دوستان ناباب موجب مجرم شدن نوجوانان و اطفال میشود.

نظرات و مکاتب جرم شناسی:

*نظریه های علمی در مورد پدیده های مجرمانه تنوری می دهند که نظریه ابطال پذیر است که ابطال پذیری دلیلی است بر علمی بودن نظریه

۱- مکتب تحققی یا مکتب ایتالیایی ،چزار لومبروزو : اولین و قدیمی ترین مکتب است که توسط پزشک ایتالیایی چزار لومبروزو مطرح شد و موجب تولد علم جرم شناسی شد .

اصول اساسی مکتب تحققی :

الف) جرم محصول عوامل طبیعی می باشد منظور اختلالات ژنتیکی و وراثت .

ب)بعضی از بزهکاران ، بزهکاران مادرزادی هستند همان مجرمان بلفطره

ج)برجبرگرایی معتقد است یعنی آزادی اراده وجود ندارد.

این مکتب اولین بار مجرمان را به ۵دسته تقسیم کرد : ۱-بزهکاران دیوانه ۲-بزهکاران اتفاقی ۳-بزهکاران به عادت ۴-بزهکاران احساسی ۵-بزهکاران مادرزادی و متناسب با هر کدام مجازات خاصی را گفت است.

این مکتب میگوید بزهکار اراده ندارد و از روی جبر بزه را انجام میدهد .

نکته مثبت این دوره: این مکتب به جرم با دید علمی نگاه کرد قبل این مکتب ها ماورای الطبیعه نگاه کرده بودند و دیدگاه این مکتب موجب تولد جرم شناسی شد.

ایرادات این مکتب :

ایراد ۱: عجله و شتاب زدگی در یافته های علمی چون همه کسانی که مرتکب جرم میشوند دچار اختلالات زیستی و ارثی نیستند و همچنین کسانی که دارای این اختلالات هستند همه آنها مرتکب جرم نمیشوند.

ایراد۲: انسان مجرم متولد نمیشود اختیار ،اراده و عقل دارد .

ایراد۳: جبرگرایی همه مجرمان دارای اختلال در اراده نیست و بسیاری از افراد بااراده و اختیار خود مرتکب جرم میشوند این مکتب اراده را کلا نادیده میگیرد.

۲- مکتب جغرافیای جنایی ،گری: این مکتب بر تاثیر شرایط و عوامل جغرافیایی یعنی گرمی یا سردی هوا تاکید می کند و از نظر آن ها جرم مطابق با قوانین فیزیک اتفاق می افتد یعنی در مناطق گرم و فصل های گرم جرایم علیه اشخاص افزایش می یابد و در مناطق و فصل های سرد جرایم مالی و اقتصادی افزایش می یابد .

تغییرات در درجه آب و هوا موجب تاثیر در جرم می باشد باعث کاهش جرم یا افزایش جرم میشود.

ایرادات این مکتب: اگر شرایط آب و هوا و جغرافیا عامل جرم است پس چرا همه کسانی که در یک محیط جغرافیایی خاصی زندگی می کنند مرتکب جرم نمیشوند و همچنین قانون حرارتی جرم یعنی طولانی بودن روز در تابستان است که افراد بیشتر با یک دیگر ارتباط دارند اما در زمستان کوتاه بودن روز باعث کم شدن ارتباط ها میشود.

۳- مکتب سوسیالیست:این مکتب برا اقتصاد تاکید میکند و علت جرم را در نابرابری های اقتصادی بررسی میکند و زیربنا را میگوید اقتصاد و عامل جرم را اقتصاد میداند.

جرم محصول نظام سرمایه داری و واکنشی است علیه نابرابری ها و بی عدالتی های اقتصادی چون نظام سرمایه داری منجر به طبقاتی شدن جامعه میشود و طبقات پایین در اثر بی عدالتی ها مرتکب بزهکاری میشوند .

توزیع نابرابر ثروت منجربه توزیع نابرابر قدرت و فقر شده و بنابراین طبقات پایین شورش می کنند تنها راه حل از بین رفتن و فروپاشی نظام سرمایه داری است نظام سرمایه داری از بین برود جرم هم از بین می رود.

جامعه سوسیالیستی باید تشکیل شود ،جامعه سوسیالیستی هم یک جامعه بدون طبقات است در نتیجه این افکار در روسیه و کشور های اروپای شرقی یک انقلاب سوسیالیستی و کمونیستی رخ داد و جوامع کمونیستی تشکیل شد.

ایراد این مکتب : نگاه تک بعدی بر مسئله جرم دارد چون تنها علت جرم اقتصاد نیست و این مکتب نوعی جبرگرایی اقتصادی است.

۴- مکتب جامعه شناختی دورکیم: اولا جرم یک پدیده نرمال و به هنجار اجتماعی است (جرم یک پدیده عادی است)مانند بیماری همیشه وجوددارد دوما جرم یک پدیده مفید و ضروری است چرا؟! چون جرم میتواند موجب تحول و تکامل و پیشرفت جوامع شود. البته هر جرم نمیتواند مفید باشد فقط جرایم سیاسی و جرم در مقابله با ستم میتواند مفید باشد

جرم انسجام و هم بستگی اجتماعی را تقویت میکند موجب تقویت ارتباطات شود

ایرادات این مکتب :اولا جرم عادی و به هنجار نیست بلکه جرم یک پدیده ثابت و مستمر است و هر جرمی هم مفید نیست و تعداد معدودی از جرایم میتوانند مفید باشند دوما به مسائل روانشناختی و زیستی هیچ توجهی ندارد.

۵-مکتب محیط اجتماعی لاکاسانی :لاکاسانی یک پزشک قانونی فرانسوی بود

طبق مکتب محیط اجتماعی لاکاسانی بزهکاری صرفا محصول محیط اجتماعی است که استعداد های ضد اجتماعی بزهکاران را بیدار میکند بزهکار مانند میکروبی است که وقتی محیط مناسب برای رشد خود پیدا کند فعال و تکثیر میشود بنابراین هر جامعه ای بزهکارانی را دارد که مستحق آن است.

ایرادات این مکتب: این مکتب کمی افراطی است چون نقش فوق العاده ای را از سوی محیط بر بزهکاری می پندارد و بزهکار را بی اراده فرض میکند.

۶-مکتب تبادل روانی آقای تارد: تارد علت اصلی جرم را تقلید میداند ،عقیده تارد این است که تقلید از ویژگی های بارز زندگی اجتماعی است و مردم به تناسب ارتباطات باهم دیگر از هم تقلید میکنند در این فرایند معمولا طبقات پایین از طبقات بالا تقلید میکنند و جرم هم به همین ترتیب مورد تقلید قرار میگیرد. مثلا رفتارهای مجرمانه مثل موادمخدر اول در آمریکا بود بعدا به اروپا کشیده شد این ناشی از تقلید بوده است.

ایرادات این مکتب : بسیاری از انسان ها الگوها و باور های خود را دارند اما این مکتب اراده و استقلال افراد را نادیده میگیرد.

۷-مکتب آنومی و فشار رابرت مرتن:

نظریه آنومی : آنومی به معنای بی قانونی و هرج و مرج یا ضعف قانون است و جامعه ی آنومیک جامعه ای است که درآن میان اهدافی که تعریف شده و راه رسیدن به این اهداف تعارض و ناسازگاری وجود دارد و این باعث فشار بر افراد میشودکه این فشار باعث به وجود آمدن نظریه فشار میشود.

واکنش به این فشار به ۵گروه تقسیم میشود:

الف) هم نواعی : یعنی سازش کردن

ب)نوآوری یا ابتکار: یعنی خلق ابزار های جدید برای رسیدن به هدف ،اگر این ابزار غیرقانونی باشد راه مجرمان را پیش خواهند گرفت.

ج) انزواگرایی : نه وسیله و نه هدف هیچ کدام مهم نیست این ها کناره گیری کرده اند مثل معتادان و ارازل اوباش

د) تشریفات گرایی : یعنی پای بند تشریفات ظاهری هستند ولی هدف هم چندان مهم نیست .

ج)شورش: این دسته کلا میخواهند ساختارشکنی کنند نه وسیله را قبول میکنند و نه هدف را میخواهند وسایل جدید پدید اورند.

۸-نظریه روان کاوی، فروید : فروید معتقد است اعمال مجرمانه و منحرفانه ریشه در عقده های روانی سرکوب شده دارد که این عقده ها شخص را دچار حالت عصبی میکند او همچنین ساختار شخصیت انسان را به ۳دسته تقسیم میکند نهاد-خود و فراخود تقسیم میکند . که نهاد تابع اصل لذت بوده و همان غریزه است- خود خواسته های غریزه را با واقعیت های اجتماعی تطبیق میدهد و فراخود همان وجدان و اعتقادات اخلاقی یا دینی است بسیاری از اختلالات روانی ناشی از تعارض بین نهاد و خود و فراخود است که این موجب وقوع جرم میشود.

۹-نظریه تئوری شخصیت جنایی ،ژان پیناتل: آقای پیناتل برای بزهکاران ویژگی های شخصیتی خاصی ترسیم کرده که عبارت است از :

۹الف) خود بینی : یعنی اینکه رسوایی و بدنامی جرم تبه کار را از ارتکاب جرم بازنداشته است.

۹ب)گیرگیری یا ناپایداری روانی : که نشان میده رنج و عذاب مجازات مانع ارتکاب جرم نشده است یعنی هر چقدر در مجازات اذیت شده و درد کشیده مهم نیست.

۹ج)پرخاشگری : یعنی وضعیت بزهکار در برخورد با موانع مادی ارتکاب جرم

۹د) بی تفاوتی عاطفی : که نشان میدهد بزهکار بر رنج دیگران بی تفاوت بود و فاقد حس نوعدوستی و محبت است.

۱۰–نظریه مجرمان یقه سفید ،سانرلند: بزهکاری یقه سفید توسط افراد دارای موقعیت اجتماعی رخ میدهد معمولا با انگیزه مادی و مالی رخ میدهد مثل پولشویی یا اختلاس یا رشوه یا کلاهبرداری های شرکتی یعنی افراد صاحب قدرت و ثروت انجام میدهند این جرایم را و پلیس هم با آن ها برخورد چندانی ندارد.

۱۱–نظریه معاشرت ترجیحی ،سانرلند: طبق نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند رفتار مجرمانه یک رفتار اکتسابی است است که در ارتباط با دیگران آموخته میشود ،مجرم در فرآیند این یاد گیری فنون ارتکاب جرم و انگیزه های ارتکاب جرم را می آموزد و فرد زمانی مجرم میشود که در گروه هایی قرار بگیرد و جرم وقانون شکنی را ترجیح میدهد که این گروه ها مدرسه یا دوستان و ... میشود.

ایراد این نظریه: این است که طبیعت و شخصیت و اراده انسان را نادیده میگیرد چون این گونه نیست که هر فردی به طور یکنواخت تحت تاثیر محیط اطراف اش مرتکب جرم شود.

۱۲–نظریه مکتب شیکاگو: این نظریه در پی مهاجرت اروپایی ها به آمریکا در دهه ۱۹۲۰در دانشگاه شیکاگو مطرح شد جامعه شناسان با بررسی ها بر این نتیجه رسیدند که موقعیت اقتصادی پایین و وجود گروه های قومی مختلف مناطق مسکونی پرتردد و پرتحرک و خانواده های از هم پاشیده عوامل مهم بزهکاری در شیکاگو هستند : همچنین طبق نظریه تعامل گرایی نمادین که زیر مجموعه مکتب شیکاگو است رفتار و عقاید و هویت انسان محصول محیط اجتماعی است بنابراین این محیط موقعیت اجتماعی است که موجب شکل گیری هویت و شخصیت و رفتار های انسان میشود.

ایراد این نظریه: جبرگرا هست و اراده انسان را کلا نادیده گرفته است.

۱۳–نظریه تعارض فرهنگی توماس سوین : از نظر توماس دو نوع تعارض فرهنگی وجود دارد

الف)تعارض فرهنگی اولیه یعنی وقتی است که دز فرهنگ مختلف از دو کشور مختلف حاکم باشد مثلا تعارض فرهنگ مردم مهاجر با مردم بومی در کشور. مثلا چند همسری در برخی کشور ها جرم است اما در برخی کشور ها جرم نیست جایز است.

ب) تعارض فرهنگی ثانویه یعنی زمانی که فرهنگ یک گروه خاص با فرهنگ گروه اکثریت در داخل یک جامعه در تعارض باشد .

ایراد این نظریه : برخی از فرهنگ ها و ارزش های مشترک جهانی وجود دارند که فراملی و بین المللی هستند و جرایم که علیه این فرهنگ ها ارتکاب می یابند با نظریه تعارض فرهنگی قابل تغییر نیستند. مثلا قتل یا سرقت در همه فرهنگ ها جرم است در این مواقع تعارض فرهنگی رخ نمیدهد.

۱۴-نظریه جرم شناسی واکنش اجتماعی : جرم شناسی واکنش اجتماعی از دهه ۱۹۷۰ در آمریکا مطرح شد و خود نظام عدالت کیفری یعنی پلیس، دادگستری و زندان را عامل تولید جرم تلقی کرد این جرم شناسی به چند دسته تقسیم میشود:

۱۴الف) جرم شناسی برچسب زنی : طبق این نظریه ریشه بزهکاری در نحوه برخورد نظام عدالت کیفری با فرد بزهکار است چون نهاد های نظام عدالت کیفری به مردم برچسب مجرمیت میزنند و این باعث شکل گیری هویت مجرمانه در اشخاص شده و باعث طرد شخص از جامعه میشود این امر موجب تکرار جرم در اشخاص میشود.

ایراد این نظریه: آن است که قادر به تبیین جرم و انحراف اولیه نیست .

۱۴ب)نظریه جرم شناسی انتقادی: جرم شناسان انتقادی معتقدند که جرم و جنایت از اختراعات دولت های حاکم است تا افراد و گروه هایی را که خطرناک تشخیص میدهند کنترل مجازات کنند .حقوق جزا و قانون ابزاری است در دست دولت های سرمایه داری برای بقای خود و حذف غیر خودی ها. این جرم شناسی معتقد است که بزهکاران قربانیان نظام عدالت کیفری یعنی پلیس ،دادگستری و زندان هستند بنابراین عملکرد این نهاد ها باید اصلاح شود.

نکته: جرم شناسی انتقادی چند بخش دارد : ۱) جرمشناسی مارکسیستی ۲)جرمشناسی فرهنگی ۳)جرمشناسی پست مدرن

ایراد این نظریه: احساساتی و غیر علمی است و مبتنی بر تجربه علمی نیست بیشتر مبتنی بر انقلاب است و بیشتر جنبه سیاسی و انقلابی دارد.

۱۴ج)نظریه جرم شناسی سازمانی : جرم شناسی سازمانی به بررسی کارایی اجرای قانون مجازات و عدالت کیفری می پردازد تا عملکرد تشکیلات نظام عدالت کیفری را بررسی و ارزیابی کند

پیشنهادات نظریه جرم شناسی واکنش اجتماعی :

الف) جرم زدایی :یعنی حذف عنوان مجرمانه از رفتار ها یعنی جرم نبودن اعمال.

ب)کیفرزدایی: یعنی تخفیف و تبدیل کیفر ها یا کاهش کیفرها به نوع مناسب مثلا مجازات های جایگزین حبس یا مجازات های نظارت الکترونیکی .

ج)قضا زدایی : یعنی ارجاع پرونده ها از دادگستری به داوری یا شورای حل اختلاف ، در نهاد های مردمی حل میشوند.

۱۵-نظریه جرم شناسی بزه دیده شناختی : این نوع جرم شناسی قربانی جرم و رابطه اش با بزهکار و همچنین نقش و سهم قربانی در وقوع جرم و همچنین حمایت مادی و معنوی از بزه دیدگان را بررسی میکند.

این نظریه بزه دیدگان را تقسیم بندی کرده است : الف)بزه دیدگان کاملا بی گناه ب)بزه دیدگان نادان ج) بزه دیدگان با مسئولیت همسان با مجرم د)بزه دیدگان بیشتر از مجرم مقصر

۱۶-نظریه کنترل اجتماعی آقای هرشی:نظریه کنترل اجتماعی معتقد است که جرم و انحراف در ذات انسان وجود دارد و به جای اینکه بپرسیم چرا انسان مرتکب جرم میشود باید پرسید چرا انسان مرتکب جرم نمیشود یک سری عوامل و قید و بند های اجتماعی وجود دارد که مانع ارتکاب جرم میشود این عوامل عبارت است از :

۱۶الف)وابستگی : هر چقدر انسان وابستگی و دلبستگی بیشتر به خانواده یا دوستانش داشته باشد کمتر مرتکب جرم میشود.

۱۶ب) تعهد و پایبندی : هر چقدر جایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد بیشتر باشد ،فرد به آن پای بند بوده و کمتر مرتکب جرم میشود.

۱۶ج)اشتغال و کار مثبت: شغل و کار مثبت موجب کمتر شدن ارتکاب جرم میشود که بیکاری یکی از عوامل ارتکاب جرم است.

۱۶د)اعتقاد: اعتقاد و باور به هنجار های اجتماعی ؛ هر چقدر فرد به هنجار ها معتقد باشد مرتکب جرم نمیشود.

۱۷-نظریه خود کنترلی : در تکمیل نظریه خود کنترلی اجتماعی آقای هرشی نظریه خود کنترلی جرم را ارائه داد و گفت خود کنترلی ضعیف و فرصت های مجرمانه دو عامل مهم ارتکاب جرم هستند. انسان هایی که خود کنترلی بالا یعنی وجدان و اعتقادات اخلاقی و دینی دارند کمتر مرتکب جرم میشوند.

۱۸-نظریه خنثی سازی جرم: این نظریه معتقد است که مجرمان قبل از ارتکاب جرم تصویر زشت را از ذهن خود بیرون می کنند و با استفاده از روش هایی جرم خود را از توجیه می کنند این روش ها عبارت است از :

۱۸الف)انکار مسئولیت : بزهکار خودش را قربانی شرایط تا به هنجار می داند و میگوید من مسئول نیستم و خارج از اراده و کنترل من بوده است.

۱۸ب)انکار قربانی : بزهکار قربانی را مستحق مجازات میداند و یا میگوید قربانی فرد مشخص و معینی نیست بلکه یک موسسه بزرگ دولتی است(شخص حقوقی است نه حقیقی).

۱۸ج)انکار ضرر و زیان: مجرم تصور میکند که جرمش هیچ خسارت و ضرری وارد نمیکند به جامعه و افراد که تصوری اشتباه است.

۱۸د) محکوم کردن محکوم کنندگان: بزهکار خود مقامات قضایی و پلیسی را مقصر و فاسد میداند.

۱۸ذ) توسل و وفاداری : یعنی اینکه مجرم جرم اش را به خاطر پایبندی و وفاداری به خانواده یا دوستان یا سازمان خود انجام میدهد.

۱۹-نظریه شرمنده سازی باز اجتماعی کننده: آقای جان بریس ویس معتقد است که ۲نوع شرمنده سازی داریم اول اینکه شرمنده سازی رسوا کننده که از طریق مجازات موجب برچسب زنی و رسوایی مجرم و نهایتا تکرار جرم در او میشود دوم اینکه شرمنده سازی باز اجتماعی کننده که سعی میکند کاری کند که مجرم احساس شرم کرده و از نظر اخلاقی احیا شود.

۲۰-نظریه عدالت ترمیمی : عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در وقوع جرم سهمی دارند گرد هم آمده اند تا مسئله جرم را با کمک یک فرد میانجی گر حل کنند.

مولفه های این نظریه ۳دسته است: عدالت ترمیمی معتقد است که جرم حاصل اختلال در روابط افراد می باشد عدالت ترمیمی یک عدالت مشارکتی است که جامعه محلی هم در آن شرکت دارد همچنین در جبران خسارت ناشی از جرم تاکید میشود.

لازم به ذکر است عدالت ترمیمی امروزه که قوانین کشور ها راه یافته است و به کشوری ما هم راه یافته است ماده ۸۳ق.ا.د.ک اشاره کرده است.

۲۱–نظریه فعالیت روزمره: طبق این نظریه فعالیت روزمره جرم حاصل ۳عامل الف)مرتکب با انگیزه ب)وجود هدف و سوژه مناسب ج)وعدم وجود مانع است.

این ۳عامل بستر شکل گیری جرم است همچنین این نظریه جرم را نتیجه فعالیت های روزمره و سبک های زندگی خاص میداند یعنی کسانی که در زندگی روزمره خود محافظت و احتیاط کمی دارند بیشتر بزه دیده میشوند.

۲۲–نظریه انتخاب عقلانی : طبق این نظریه انتخاب عقلانی انسان ها به دنبال منافع شخصی بوده و سود زیان اعمال شان را میسنجد بزه کار هم رفتار مجرمانه را از روی عقلانیت ترجیح داده و انتخاب میکند چون برایش منافعی دارد، بنابراین برای پیشگیری از جرم باید هزینه ها و زیان های حاصل از جرم را افزایش داد.

۲۳–نظریه مدیریت ریسک جرم : این نظریه معتقد است برای جلوگیری از جرم باید محیط و مکان ها را مدیریت کرد برای مثال مناطق جرم را شناسایی کرد یا بزهکارانی خطرناک و با انگیزه را کنترل و شناسایی کرد.

دو نظریه اخیر یک روش پیش گیری خاصی از جرم را ارائه دادند که این دو را پیشگیری وضعی گفته اند.

جرم شناسی کاربردی: ۳شاخه دارد ۱)جرم شناسی پیشگیری ۲)جرم شناسی بالینی ۳) جرمشناسی حقوقی

جرم شناسی پیشگیری : یک شاخه کاربردی است که میخواهد از وقوع جرم پیشگیری کند منتهی از راه غیر از مجازات

علت مطرح شدن جرمشناسی پیشگیری :

۱-افزایش مسئله بزهکاری : مخصوصا از جنگ جهانی دوم به بعد.

۲-بدبینی به نظام عدالت کیفری به خاطر شکست نظام.

۳-علاقه و اشتیاق به پیشگیری بخاطر کم هزینه و آسان بودن پیشگیری ، بقول معروف پیشگیری بهتر از درمان است.

تعریف۱ پیشگیری: پیشگیری مجموعه اقداماتی است به استثنای ضمانت اجرای کیفری که هدف آن محدود کردن امکان وقوع جرم از راه غیر ممکن ساختن یا دشوار کردن یا احتمال وقوع جرم را پایین آوردن است.

تعریف۲پیشگیری : پیشگیری وسیله و ابزار هایی است که دولت برای مهار بزهکاری از ۲طریق استفاده میکند اولا حذف یا محدود کردن عوامل جرم زا و دوما مدیریت فیزیکی یا اجتماعی به منظور کاهش فرصت های ارتکاب جرم.

ایراد این تعریف این است که پیشگیری را فقط مختص دولت تلقی کرده است در حالی که مردم عادی هم میتوانند پیشگیری کنند از ارتکاب جرم.

تعریف جامع و کامل از پیشگیری :پیشگیری مجموعه اقداماتی کنشی عمومی و غیر کیفری است که هیئت اجتماع در یک جامعه معین و در زمان معین با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق از بین بردن عوامل جرم زا یا کاهش فرصت های ارتکاب جرم استفاده میکند.

ویژگی های پیشگیری از جرم:

۱-اقدامات کنشی است نه واکنشی یعنی کنش قبل از وقوع جرم است.

۲-جنبه عمومی و اجتماعی دارد در مورد فرد خاصی نیست بلکه در مورد عموم مردم است.

۳-غیرکیفری است یعنی پیشگیری مجازات نیست

۴-مسئول پیشگیری هیئت اجتماع است یعنی دولت و مردم.

۵-پیشگیری محدود به جامعه معین است، از کشور به کشور دیگر فرق میکند چون مجازات ها و قوانین کشور ها باهم متمایز است.

۶-پیشگیری محدود به زمان معین است،یعنی اینکه پیشگیری از جرم در سال ۱۴۰۰فرق میکند با سال ۱۳۷۰کلا شرایط ها عوض شده ، قوانین عوض شده در حالت کلی پیشگیری نسبی است.

انواع پیشگیری :

۱-**پیشگیری کیفری** : پیشگیری کیفری یعنی پیش گیری از جرم با استفاده از ضمانت اجراهای کیفری از طریق نظام عدالت کیفری یعنی پلیس و دادگاه که ناظر بر بعد از وقوع جرم است که این پیشگیری را نظام عدالت کیفری انجام میدهد ،لازم به ذکر است این پیشگیری قدیمی ترین و سنتی ترین پیشگیری است .

تعریف کیفر: واکنشی که به دلیل ارتکاب جرم بر مجرم توسط دادگاه طبق قانون تحمیل میشود.

ویژگی های کیفر:

۱-آزار دهندگی یا رنج آور بودن

۲-قضایی بودن مجازات ها یعنی اینکه مجازات را فقط قاضی دادگاه صادر میکند

۳-مجازات مخصوص افراد مسئول است پس کسی که مسئولیت کیفری ندارد مجازات نمیشود.

۴-اصل قانونی بودن مجازات

۵-همگانی بودن مجازات یعنی مجازات برای همه است

۶-تناسب بین جرم و مجازات

اهداف پیشگیری کیفری :

۱-ناتوان سازی یعنی ناتوان کردن بزهکار از انجام جرم

۲-بازدارندگی یعنی اینکه در آینده از جرم جلوگیری شود که بازدارندگی دو نوع است عام و خاص

عام یعنی عموم مردم با مشاهده مجازات مجرمان تشویق میشوند تا رفتار های بهتری داشته باشند و درس عبرت میگیرند تا مرتکب جرم نشوند و خاص یعنی مجازات درس عبرتی برای مجرم میشود تا تکرار جرم نکند.

۲-پیشگیری زود رس : پیشگیری زود رس از طریق مداخلات روانشناختی و اجتماعی در اطفال و نوجوانان صورت میگیرد و در این پیشگیری علاوه بر خود طفل محیط خانواده و مدرسه و دوستان او هم مورد توجه قرار میگیرد

۳-پیشگیری اولیه : پیشگیری اولیه همان مبارزه با عوامل پیدایش جرم است یعنی مجموعه اقداماتی که برای تغییر شرایط جرم زای محیط انجام میشود مانند بهبود اشتغال و شرایط زندگی و فقرزدایی

۴-پیشگیری ثانویه: در مورد افرادی است که در معرض خطر بزهکاری یا بزه دیدگی هستند مانند حمایت از کودکان بی سرپرست.

۵-پیشگیری ثالث : به بررسی مجرمان و روش های اصلاح و درمان آنها به منظور جلوگیری از تکرار جرم آنها می پردازد مثل کسی که بیمار است میخواهیم با دارو درمان کنیم بیمار را.

*لازم به ذکر است که ۳ پیشگیری اخیر بر اساس علم پزشکی می باشد اولیه -ثانویه -ثالث

۶-پیشگیری اجتماعی : پیشگیری اجتماعی اقداماتی است که بر تغییر شرایط جرم زای محیط اجتماعی و اصلاح ساختار های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تاکید میکند.

ویژگی های پیشگیری اجتماعی :

۱-جنبه نرم افزاری دارد نه سخت افزاری یعنی از طریق مجازات پیشگیری نمیکند.

۲-پیشگیری اجتماعی به دنبال یافتن ریشه های جرم و حذف آن ها است

۳-پیشگیری اجتماعی در اتحاد اشخاص و گروه های مختلف استوار است تا به توسعه پایدار و ایجاد جامعه سالم کمک کند.

۴-نقطه ضعف پیشگیری اجتماعی در بلند مدت جواب میدهد.

۷-پیشگیری وضعی: پیشگیری وضعی مجموعه تدابیری است که هدف شان منصرف یا ناتوان ساختن بزهکاران از ارتکاب جرم است پیشگیری وضعی معادله جرم بر برهم می زند و هزینه انجام جرم را بالا میبرد.

ویژگی های پیشگیری وضعی:

۱-پیشگیری وضعی با فرض مسمم و انگیزه مند بودن بزهکاران طراحی میشود

۲-اثرا پیشگیرانه ، پیشگیری وضعی مقطعی و کوتاه مدت است

۳-هدف پیشگیری وضعی سلب فرصت ارتکاب جرم از بزهکار از طریق منصرف ساختن او از ارتکاب جرم است.

تکنیک های پیشگیری وضعی :

۱-افزایش خطرات جرم: یعنی کاری کنیم مجرم در معرض خطر دستگیری قرار بگیرد مثل گشت های پلیس یا نصب دوربین های مدار بسته یا استفاده از نگهبان چه انسانی چه حیوانی

۲-افزایش زحمات حاصل از جرم: یعنی کاری کنیم مجرم به زحمت و دردسر بی افتد در انجام جرم و در نتیجه منصرف بشود مثل نصب قفل ایمنی روی فرمان خودرو یا نرده کشی و حصارکشی اطراف خانه و باغ.

۳-کاهش منافع حاصل از جرم: یعنی کاری کنیم سود و منافع برای مجرم کاهش پیدا کند مثل برداشتن ظبط خودرو یا نشانه گذاری روی اموال یا کم کردن موجودی حساب بانکی یا خالی کردن اسناد و فایل های رایانه .

۴-کاهش تحریک بزهکاران : یعنی کاری کنیم بزهکاران تحریک نشوند مثل کاهش ازدحام جمعیت در وسایل حمل و نقل عمومی (اتوبوس و مترو ....) یا کنترل سایت های مضر یا نصب تابلو ممنوع .

نقاط قوت پیشگیری وضعی :

۱-راحتی در طراحی و اجرا یعنی همه میتوانند انجام بدهند کار سختی ندارد.

۲-بازدهی و اثر بخشی سریع یعنی به سرعت نتیجه میدهد.

۳-کابردی و عمل گرا بودن

نقاط ضعف یا ایرادات پیشگیری وضعی :

۱-ابزار محوری به جای انسان محوری : یعنی پیشگیری وضعی از هر ابزار و مانعی برای پیشگیری استفاده میکند و به دنبال ریشه های جرم نیست.

۲-موقتی بودن اثر پیشگیرانه : یعنی موقتی و مقطعی است و همیشه وجود ندارد و جرم را ریشه کن نمیکند.

۳-تعارض با حقوق شهروندی : در پیشگیری وضعی گاه حقوق شهروندی و حریم خصوصی به بهانه پیشگیری از جرم کنترل میشود و در نتیجه آزادی های شهروندان محدود میشود مثل دوربین های مداربسته است نقض حقوق شهروندی را باعث میشود.

۴–**ایجاد ترس یا اضطراب در جامعه:** کنترل ها و نظارت های شدید ممکن است این پیام را به شهروندان القا کند که محیط زندگی آن ها خطرناک است و امنیتی وجود ندارد.

۵–**بی عدالتی :** پیشگیری وضعی مستلزم استفاده از تجهیزات گران بها است که تامین آنها از عهده همه اقشار جامعه برنمی آید و در نتیجه اقشار فقیر نمیتوانند پیشگیری وضعی کنند.

۶–**جابه جایی جرم:** پیشگیری وضعی به دنبال ریشه کن کردن بزهکاری نیست و نمی تواند موجب جابه جایی یا انتقال جرم شود و بزهکاران حرفه ای در موقعیت های مناسب دیگر مرتکب جرم میشوند.

انواع جابه جایی جرم:

الف) جا به جایی زمان : جا به جایی در زمان یعنی مجرم ،جرم اش را یک زمان دیگر انجام میدهد مثلا در نظر داشت ظهر ساعت ۱۲به سرقت برود به علت شلوغی خیابان و گشت های پلیس سرقت را موکول میکند به ساعت ۳بامداد شب همه جا خلوت است .

ب) جا به جایی جغرافیایی یا مکان: مجرم مکان جرم را تغییر میدهد مثلا می رود به مناطقی که کنترل و دروبین وجود ندارد

ج) جا به جایی در هدف : مجرم هدف جرم را تغییر میدهد مثلا اول میخواست به بانک دستبرد بزند بخاطر امنیت بانک میرود به رستوران دستبرد میزند.

د) جا به جایی تکنیکی (تغییر نحوه انجام جرم): مجرم روش انجام را تغییر میدهد مثلا در فضای واقعی نمیتواند انجام دهد در فضای مجازی انجام میدهد مثل جرم کلاهبرداری رایانه ای .

ز) جا به جایی در نوع جرم: مجرم نوع جرم و ماهیت جرم را تغییر میدهد مثل به جای سرقت خودرو ، لاستیک خودرو را سرقت میکند.

پیشگیری از نظرات و مکاتب جرم شناسی :

۱–**پیشگیری از دیدگاه مکتب کلاسیک :** این دیدگاه که بکاریا و بنتام مطرح کرده اند موثر ترین نوع پیشگیری ،پیشگیری کیفری از طریق مجازات است و مجازات باید قطعی و حتمی و ملایم باشد چون مجرم با عقلانیت و اراده مرتکب جرم میشود.

به ذکر است این ستاد میتواند آیین نامه وضع کند و بیشتر نقش سیاست گذاری دارد که در این راستا ستاد مبارزه با مواد مخدر هر ۳نوع پیشگیری اولیه،ثانویه و ثالث را مد نظر دارد که پیشگیری اولیه همان پیشگیری از اعتیاد و پیشگیری ثانویه یعنی حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد و پیشگیری ثالث یعنی درمان معتادان می باشد.

پیشگیری از جرم در قانون نیروی انتظامی : طبق قانون نیروی انتظامی یکی از وظایف پلیس پیشگیری از وقوع جرم است اما پیشگیری به معنای خاص و اولیه نمی تواند از وظایف پلیس باشد چون وظیفه پلیس اصولا مربوط به بعد از وقوع جرم می باشد با این حال پلیس میتواند پیشگیری وضعی را در مواردی انجام دهد که به این منظور پلیس پیش گیری تشکیل شده و وظیفه آن پیشگیری وضعی از جرم در سازمان هایی مانند فرودگاه ،راه آهن، صداو سیما ،میراث فرهنگی ، سازمان انرژی اتمی و جنگل بانی است.

پیشگیری از جرم در قانون سازمان بهزیستی : یکی از اهداف سازمان بهزیستی تدارک امکانات پیشگیری ،درمانی و توان بخشی حرفه ای و اجتماعی معلولان و تربیت منحرفان اجتماعی و همچنین حمایت مادی و معنوی از زنان و کودکان بی سرپرست می باشد ؛ سازمان بهزیستی در این راستا اقداماتی را انجام داده است مانند آموزش فنی و حرفه ای ،ایجاد کارگاه های حرفه ای آموزش ،مهارت های زندگی برنامه ی پیشگیری از خودکشی و کاهش طلاق.

پیشگیری از جرم در آیین نامه دادگاه و دادسرا ویژه روحانیت : در این آیین نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹به پیشگیری از تخلفات و جرایم روحانیون به عنوان یکی از وظایف این دادگاه اشاره شده است که بیشتر پیشگیری کیفری مد نظر می باشد و ضمانت اجرا هایی هم دارد مثل خلع لباس روحانیت.

جرم شناسی بالینی : یکی از شاخه های جرم شناسی کاربردی است که بزهکاران و حالت خطرناک آنها را با شیوه های علمی و تجربی مطالعه میکند تا به اصلاح و درمان آنها بپردازد و در کنار پرونده کیفری ،پرونده شخصیت هم تشکیل میشود.

اصول جرم شناسی بالینی : جرمشناسی بالینی به تبعیت از اصول پزشکی با استفاده از آزمون های طبی ،روانی و روانپزشکی به معاینه و بررسی شخصیت مجرم و سوابق اجتماعی و تحصیلی او و ضعیت خانواده اش می پردازد تا علت بزهکاری را تشخیص دهد و سپس راه حل های اصلاح و درمان را ارائه دهد این کار در پرونده شخصیت برای مجرم صورت میگیرد.

بررسی حالت خطرناک بزهکاران از نظر اصول جرم شناس بالینی : حالت خطرناک برای اولین بار در مکتب تحققی مطرح شد و به حقوق ایران وارد شد طبق قانون اقدامات تامینی و تربیتی مجرمان خطرناک کسانی اند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنها و کیفیت و نوع جرم شان آنان را در مضان ارتکاب جرم در آینده قرار میدهد چه مسئول باشند چه نباشند.

حالت خطرناک: حالت فردی است که از نظر ظرفیت جنایی و قابلیت انطباق اجتماعی دارایی وضعیتی است که در آستانه ارتکاب جرم قرار گرفته و همواره جامعه را تهدید میکند .

برای تعیین ظرفیت جنایی عناصر زیر باید وجود داشته باشد:

الف) سوابق کیفری،شغلی، تحصیلی ، اجتماعی و خانوادگی

ب)خصوصیات روحی و اخلاقی (خصوصیات روحی که دلیل بر خطرناک بودن بزهکار است عبارت است از خودبینی ، گهگیری ، پرخاشگری و بی تفاوتی عاطفی)

ج) کیفیت ارتکاب جرم و نوع جرم ارتکابی

معیار های حالت خطرناک: ۱-پرخاشگری۲-بی تفاوتی عاطفی۳-گهگیری ۴-خودبینی.

طبقه بندی افراد خطرناک از لحاظ روان شناختی :

۱-کسانی که ظرفیت جنایی بالا و انطباق اجتماعی بالا دارند که این دسته در عین حال که همواره جامعه را تهدید میکند اما با جامعه ظاهرا سازگار و هماهنگ میشوند مثل مجرمان یقه سفید یا مجرمان سازمان یافته.

۲-کسانی که ظرفیت جنایی بالا ولی انطباق اجتماعی ضعیفی دارند به همین خاطر ممکن است زود دستگیر شوند مثل مجرمان حرفه ای.

۳-کسانی که ظرفیت جنایی ضعیف و قابلیت اجتماعی بالایی دارند مانند مجرمان اتفاقی که خطرشان نسبتا کمتر است.

۴-کسانی که ظرفیت جنایی ضعیف وقابلیت انطباق اجتماعی ضعیف دارند مانند معتادان و مجنونان.

روش های اصلاح و درمان از نظر جرم شناسی بالینی :

۱-استفاده از روش ها و تکنیک های طبی درمانی به ویژه برای بزهکارانی که داری اختلالات زیستی و روانی هستند مانند روان درمانی ،روان کاوی ، درمان دارویی یا حتی عمل جراحی در مواقع خاص.

۲-استفاده از شیوه ها و روش های تربیتی و آموزشی بیشتر جنبه اجتماعی دارند مثل مجازات های جایگزین حبس یا نظارت های الکترونیکی .

۳-کارآموزی و اشتغال در موسسات صنعتی و کشاورزی مخصوصا برای مجرمان بیکار، ولگرد و معتاد.

۴-برای بسیاری از بزهکارات علاوه بر پرونده قضایی ؛ پرونده شخصیت تشکیل میشود که که حالات و شخصیت بزهکاران را مددکاران اجتماعی ، روانشناسان و جرم شناسان بررسی میکنند.